

بررسی جامعه‌شناختی رابطه بین سبک زندگی و دینداری (مطالعه موردی شهر ساری)

علی رحمانی فیروزجاه*

سعیدیه سهرابی**

چکیده

امروزه، سبک زندگی، مصرف و کالاها از پارامترهای اجتماعی تأثیرگذار بر حوزه جامعه‌شناسی معرفت هستند که معرفت دینی و به دنبال آن، اهتمام دینی یا به عبارتی دینداری، که بر اساس تقسیم‌بندی شلر در حوزه جامعه‌شناسی معرفت قرار می‌گیرد، از این حیث مستثنا نیست. در راستای بررسی این هدف، در مقاله حاضر رابطه بین سبک زندگی و دینداری را از طریق روش پیمایش و ابزار پرسشنامه بررسی کردیم. در این تحقیق، حجم نمونه ۴۰۰ نفر است که نخست از طریق آزمون تحلیل عاملی اکتشافی به شناخت اشکال و سنخ‌های سبک زندگی و دینداری در جامعه مورد مطالعه پرداختیم و سپس با استفاده از آزمون‌های کی دو، کرامر، تحلیل واریانس، پیرسون و تحلیل مسیر، فرضیه‌های تحقیق را بررسی کردیم. نتایج حاصل نشان می‌دهد:

۱. بین نوع سبک زندگی و نوع دینداری رابطه وجود دارد.
 ۲. بین نوع سبک زندگی و میزان دینداری رابطه‌ای به دست نیامد.
- و نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که سبک‌های زندگی متفاوت، موجب تعدد رفتار دینی و شکل‌گیری الگوهای خاص در زمینه دینداری است.

* دکترای جامعه‌شناسی، استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل (نویسنده مسئول)

arf1348@gmail.com

** کارشناس ارشد جامعه‌شناسی sadieh_sohrabi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱/۲۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۳/۱۲

کلیدواژه‌ها: سبک زندگی، دینداری، میزان دینداری، سبک زندگی تظاهری، دینداری بی‌شکل.

۱. مقدمه

بر اساس تقسیم‌بندی شلر، معرفت به چهار حوزه مجزای علم، فلسفه، دین و ایدئولوژی تقسیم می‌شود و بنا بر همین تقسیم‌بندی، دین در حوزه بررسی جامعه‌شناسی معرفت قرار گرفته و دارای تعین‌های اجتماعی در دوره‌های مختلف جوامع است (Prandi, 2008)؛ به طوری که برگر ویژگی متکثر وضعیت مدرن را مسئله‌ای جدی برای دین می‌داند و بر آن است که این وضعیت گرچه به نابودی دین نمی‌انجامد، به ظهور آنچه وی «بازار دین» می‌نامد، منجر می‌شود (Harrington, 2001: 128).

در پی تمامی این تحولات، با نگاهی ژرف به جامعه‌مان متوجه می‌شویم مدرنیته سامانه اجتماعی مبتنی بر اخلاق منبعث از آموزه‌ها و مناسک دینی جامعه‌مان را برهم زده است و توسعه عقلانیت، پایه‌های قطعیت را به شدت سست کرده و به تفاوت‌های فردی در تفکر و سبک‌های زندگی میدان داده است. این توسعه عدم قطعیت و فردگرایی در جهان مدرن با تمایل ادیان به حقایق دینی قطعی و همچنین یکسانی سبک زندگی در تعارض قرار گرفته و تغییراتی در ذهن و ضمیر افراد و نیز مختصات نهادهای دنیای جدید به وجود آورده است (شجاعی زند، ۱۳۸۲: ۹).

بنابراین، در چنین جامعه‌ای نگاه عقلانی به دین و دینداری یکی از مسائل مهم است که از لحاظ روش‌شناختی برای بررسی این موضوع، می‌بایست از مشاهدات و تحلیل‌های جزئی، کوچک و استقرایی حرکت کنیم تا به تبیین‌های کلان دست‌یابیم، چراکه واقعیت‌های موجود و پراکنده‌ای که امکان بررسی و سنجش تجربی و ملاحظه عینی داشته باشند، می‌توانند پایه نتیجه‌گیری‌های کلان و راهبردهای آینده‌نگرانه باشند. در حال حاضر، یکی از حوزه‌های مهم جامعه‌شناسی که به مسئله تعین اجتماعی معرفت می‌پردازد، مطالعات فرهنگی است. وجه مشخصه آن فاصله گرفتن از نظریه‌های ساختار اجتماعی و رفتن به فضای معنا در جامعه، شکل‌گیری و بازتولید آن است (Luchau, 2009: 235). این جامعه‌شناسی جدید، تعین معرفت را مسائلی از قبیل زندگی روزمره، فناوری اطلاعات و سبک زندگی در نظر می‌گیرد و در این چارچوب، سبک زندگی به عنوان پایه و اساس فهم شرایط فرهنگی موجود مطرح است که تحولات پیش

رو در این حوزه نشان می‌دهد در بطن ارزش‌های موجود در خرده‌نظام فرهنگی یک جامعه چه می‌گذرد (مهدوی کنی، ۱۳۸۶: ۲۰۱).

ایران نیز گرچه جامعه‌ای در حال گذار است، پیمایش‌های انجام‌شده و تحقیقات متعدد در طی چند دهه گذشته در این کشور تأیید می‌کند که دین‌باوری و دینداری در آن با وجوه مختلف و پیچیده، جزو وجه مشخصه غالب و پایدار جامعه ایرانی است (کاظمی و فرجی، ۱۳۸۲: ۱۹).

امروزه، سبک زندگی را برای فهم شرایط جدید پیش‌آمده در زندگی افراد، در شهرهای بزرگ به‌کار می‌برند، زیرا شهرهای بزرگ و جدید با ساختارهای مصرفی و تفریحی سامان یافته‌اند و افراد و گروه‌های اجتماعی در آن بر اساس مصرف و نمایش و ارائه نوع زندگی جدید شکل گرفته‌اند (آزاد ارمکی، ۱۳۸۵: ۴).

با توجه به مباحث مطرح‌شده بالا، شهرسازی به عنوان مرکز استان مازندران و یکی از بزرگترین شهرهای این استان، قلمروی مورد مطالعه قرار گرفته‌است. ظهور سبک‌های زندگی جدید به سبب مهاجرت‌های فراوان به این شهر، شکل‌گیری طبقات جدید شهری، کمرنگ شدن نقش سنت در تولید و بازتولید اندیشه‌ها، از مهم‌ترین دغدغه‌هایی است که در این شهر مطرح است و حال، با افزایش روزافزون اهمیت سبک زندگی، پویایی، تغییر، بی‌ثباتی و حتی تنش و تداخل‌های دارای تأثیرات متقابل در جامعه کنونی، دینداری که ریشه‌ای‌ترین جزء فرهنگی محسوب می‌شود، دچار چه سرنوشتی خواهد شد؟ آیا بین سبک‌های زندگی متفاوت و تعدد رفتار دینی و شکل‌گیری الگوهای خاص در زمینه دینداری رابطه وجود دارد؟

۲. مبانی نظری

سبک زندگی الگوی منسجمی از رفتارهای فردی و جمعی است (ویر، ۱۳۸۷: ۲۱۵) که در عرصه خاصی از زندگی به صورت نمادین بروز می‌کند (گیدنز، ۱۳۷۷: ۲۰) و بر حول محورهای مصرف، اصول اخلاقی، ارزشی و زیباشناختی (وبلن، ۱۳۸۳: ۱۳) یا مجموعه‌ای از عوامل بیرونی از قبیل سن، درآمد، جنسیت یا حتی جغرافیا انسجام می‌یابد (ابن‌خلدون، ۱۳۷۳: ۸۱-۸۷) و مستلزم عنصر انتخاب از میان عناصر متنوع و گوناگون ناشی از دنیای جدید و مدرنیته است (گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۲۱). این انتخاب تحت سیطره محدودیت‌های ساختاری هر طبقه و گروه منزلتی است و حول محور مصرف سامان

می‌یابد (Simmel, 1990: 86) که مصرف نیز خود زائیده سرمایه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است و با آن تعامل دوسویه دارد (Bourdieu, 1984: 217) و به عنوان شناسا به هویت بخشی افراد، طبقات و گروه‌های منزلتی منجر می‌گردد که هم وحدت جمع و هم تمایز را به همراه دارد (وبر، ۱۳۷۴: ۲۱۴). به طور کل، سبک زندگی معیارشناختی مناسب برای جوامع جدید است که مبتنی بر استفاده از کالاهاست، زیرا سلیقه‌ها به مسئولیتی تبدیل شده که از طریق آن افراد مورد قضاوت قرار می‌گیرند و از این طریق هویت پیدا می‌کنند (مهدوی کنی، ۱۳۸۷: ۸۵).

دینداری نیز عنوان عامی است که به هر فرد یا پدیده‌ای که ارزش‌ها و نشانه‌های دینی در آن متجلی باشد، اطلاق می‌شود و با دو طریق می‌توان دینداری افراد را از یکدیگر متمایز ساخت: یکی از طریق پایبندی و التزام دینی‌اش و دیگری پیامد دینداری و آثار تدین در فکر و جان و عمل فردی و اجتماعی او (شجاعی زند، ۱۳۷۲: ۳۶) و متغیری است که درجه دینی‌بودن اشخاص را مشخص می‌کند (Stylianou, 2004: 435). بر اساس تعداد معانی ارائه شده برای دین، اندیشمندان مسلمان نیز به دینداری به عنوان پدیده‌ای ساختاری و چندبعدی نگریسته و آن را راه و روشی دانسته‌اند که ابعاد آن تمامی زندگی انسان را تحت تأثیر قرار داده و او را به یک هدف کلی و متعالی که همانا سعادت و خوشبختی است، رهنمون می‌سازد (خدایاری فرد، ۱۳۸۵: ۵). نینان اسمارت (Ninan Smart) بر آن است که در سنخ‌شناسی دینداری و ارائه تیپولوژی‌های مختلف، می‌بایست سه ساحت را از همدیگر تمیز دهیم: یکی ساحت باورها و دیگری ساحت اعمال بیرونی اخلاقی و دیگری ساحت بیرونی مناسکی - شعاعی و بر اساس ترکیب این سه ساحت به انواع دینداری که در بین مردم وجود دارد، دست‌یابیم (Prandi, 2008: 269).

برگر بر آن است که نخستین پیامد وضعیت متکثر مدرنیته برای حوزه دین، خصوصی شدن آن است (همان: ۸۷) و عدم تأیید عمومی موجب ورود عنصر ترجیح در حوزه دین می‌شود و این گزینشی‌گری در حوزه دین موجب ظهور انواع سنخ‌های دینداری می‌گردد (شجاعی زند، ۱۳۸۶: ۴۲). در این وضعیت متکثر انواع تفاسیر از دین و انواع دینداری (سنخ‌های دینداری) در عرصه عمومی ظهور خواهند یافت و از نظر وودهد (Woodhead) و هیلاس (Heelas)، سرانجام عرفی شدن دین، بدل شدن آن به یک دل‌مشغولی شخصی در قالب «معنویت‌های زندگی» (Spiritualities) است (همان: ۴۱) و اکثر محققان برای دستیابی به صور دینی از تکنیک آماری تحلیل عاملی اکتشافی استفاده کرده‌اند.

بعد از تعریف دینداری و سبک زندگی بر اساس موضوع تحقیق، می‌بایست به این مسئله پردازیم که رابطه سبک زندگی و دینداری در مبانی نظری چگونه است. دورکیم، از نظریه پردازان مکتب وفاق، در مبانی جامعه‌شناسی خود تلاش می‌کند تا منشأهای مقولات اساسی معرفت را در تجربه اجتماعی پیدا کند (Holroyd, 1972: 50). مارکس به عنوان پیشگام مکتب تضاد، بر این باور بود که ماده، جوهر جهان است و اندیشه، ذهن و آگاهی تنها بازتاب جهان وجود در ذهن انسان هستند (Harrington, 2001: 128). دین در مکتب کنش متقابل نمادین، نظام نمادی فراگیر است که فرد به عنوان واقعیتی بیرونی در تجربه‌ای اجتماعی برای معنابخشیدن به تجارب زندگی با آن روبه‌رو می‌شود و متأثر از شرایط زندگی و امکانات مادی فرد است که بلومر این امکانات را سامان (Fashion) یا مد اجتماعی و شیوه نو می‌نامد (Krause, 2008: 54).

ابن خلدون بر آن است که در انتقال بادیه‌نشینی به شهرنشینی، تفاوت‌های فراوانی در شیوه معیشت و سبک زندگی افراد جامعه ایجاد می‌شود که بر دینداری آنها تأثیرگذار است. چنان‌که می‌بینیم، بادیه‌نشینان و هم شهرنشینانی که در مضیقه و خشونت هستند، به گرسنگی عادت می‌کنند و از شهوات و خوشگذرانی‌ها دوری می‌جویند؛ نسبت به آنان که غرق ناز و نعمت‌اند، دیندارترند و به عبادت بیشتر روی می‌آورند. اهل دین در شهرها و اماکن پرجمعیت اندک‌اند، زیرا در میان جماعت‌هایی که در گوشتخوارگی و برخوردارگی از خورش‌های گوناگون و خوردن مغز گندم بدون پوست افراط می‌کنند، قساوت و غفلت تعمیم می‌یابد (ابن خلدون، ۱۳۷۳: ۱۶۳).

وبلن بر این نظر است که عادات فکری و اعتقادات، ناشی از سبک زندگی افراد است، به طوری که عنوان می‌کند اعمال تمایلات چشم‌وهم‌چشمی و جان‌گرایی (Animisme) ساده، وسیله‌ای مناسب برای تظاهرات دینی هستند (Ahmet, 2008: 210). او همچنین به مسئله بناهای مقدس، لباس‌های کشیشان و کالاهایی از این قبیل اشاره کرد که تمام این هزینه‌ها تا حد بسیاری متأثر از اندیشه مصرف تظاهری است و شکی نیست که زیبایی ساختمان کلیسا یا معبد و ... تأثیری ژرف و جهت‌دهنده بر طرز فکر پرستندگان دارد (همان: ۱۵۲). در تمام جوامع، به‌ویژه در آنها که استاندارد آراستگی مالی مسکن‌ها پایین است، معبد محل از خانه‌های مسکونی مردم آنجا آراسته‌تر است و در معماری و تزئین آن و لخرجی بیشتر به چشم می‌خورد. مکان مقدس و ظواهر آن بیشتر به صورت نمود متداول مصرف تظاهری مالک یا ارباب در آن زمان است (وبلن، ۱۳۸۳: ۱۵۶).

از نظر زیمل، فرم‌های دینی ناشی شده از محتوای دینی همان انواع دینداری است و این فرم از طریق تجربه زندگی اجتماعی پدیدمی‌آید (Vadenberghe, 2010: 16) و شماری از افراد در دنیای مدرن که مشخصه بارز آن مد و سبک زندگی است، به دلیل ترقی نیازهای دینی‌شان به سمت عرفان روی می‌آورند که توجه آنها به عرفان معلول دو عامل است: اولاً، فرم‌هایی که حیات دینی را به مجموعه تصاویر به لحاظ عینی تعریف شده‌ای پیوند می‌دادند، دیگر این زندگی را خرسند نمی‌کنند؛ دوم اینکه، به دلیل ترقی نیازها از شدت شور و اشتیاق دینی کاسته نشده است، بلکه اهداف و راه‌های متفاوتی را جست‌وجو می‌کنند (زیمل، ۱۳۸۸: ۸۹). زیمل اظهار می‌کند که ایده خدا می‌تواند محتوی فرم مراقبه پرهیزکارانه و یا محتوی فرم کاملاً متفاوت تأمل عقلی به خود بگیرد (همان: ۷۸).

و بر نیز به شیوه‌هایی که شرایط و منافع اقشار اجتماعی که از طریق آن بر اعتقاداتشان تأثیر می‌گذارد، توجه کرده است. از نظر وی، هر دینی علایم قشری را با خود دارد که در دوره شکل‌گیری دین به منزله حامل و مفسر آن عمل کرده است (تامسون و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۰۴). وی وجه نظر طبقات مختلف اجتماعی را به دین، متفاوت ارزیابی کرده و بین طبقاتی مانند دهقانان، مأموران حکومتی و دیوانسالاران، نظامیان، تجار، روشنفکران و بردگان از حیث مذکور تفاوت قائل است (ژولین، ۱۳۳۸: ۲۱۴-۲۱۶).

از مهم‌ترین نظریه‌پردازانی که مفهوم سبک زندگی را تئوریزه کرده و آن را به عنوان تعین اجتماعی معرفت مطرح کرده است، بوردیو است. برای درک مفهوم تعین دین در نگاه بوردیو، می‌بایست به بررسی رابطه دیالکتیک میدان (Field) و منش (Habitus) در نظریاتش که به عمل منجر می‌شود، پردازیم. بوردیو به میدان به عنوان پهنه نبرد می‌نگرد که در این بازار رقابتی، انواع سرمایه‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و نمادین به کار گرفته می‌شوند و در این میدان، هر طبقه اجتماعی بر اساس ترکیبی از سه نوع سرمایه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی تعریف می‌شود. اصل وحدت‌بخش طبقه، منش مشترک آنهاست (Bourdieu, 1993). منش طبقه خاص، فرد را مستعد درک، آگاهی و عمل به روشی می‌کند که انعکاسی از موقعیت‌های مادی آن طبقه است (Bourdieu and Wacquant, 2002: 212) و ساختارهای اجتماعی ذهن از طریق درونی‌ساختن عناصر بیرونی حک می‌شوند و به صورت منش درمی‌آیند (Kichberg, 2007: 118).

جایگاه هر فرد در میدان بر اساس حجم، ترکیب و مسیر سرمایه‌ها مشخص می‌شود که مشخص‌کننده سبک زندگی‌اش است. سبک زندگی با مصرف فعلیت می‌یابد و عبارت‌اند

از مصرف اقتصادی، مصرف فرهنگی، مدیریت بدن، چگونگی گذران اوقات فراغت، نوع نوشیدنی، نوع ورزش و ... (Bourdieu, 1984).

اما، دین در نگاه بوردیو به عنوان ساختار ذهنی برخاسته از منش فرد است. وی دین را در قالب تئوری عملش، به عنوان میدانی نسبتاً خودمختار در درون میدان وسیع قدرت در نظر می‌گیرد و بر سیالیت و پویایی‌های آنچه ساختارها و محتوا را در این میدان تشکیل می‌دهند، تأکید می‌کند و در این میدان دو طبقه در نظر می‌گیرد که عبارت‌اند از: تولیدکنندگان معتبر دینی یا متخصصان دینی که برای تولید، عرضه و بازتولید کالاها و پیام‌های دینی تلاش می‌کنند و افراد عادی که به‌طور عینی مصرف‌کننده و تقاضاکننده این کالاها و پیام‌ها هستند و عمل دینی (دینداری) توسط آنها صورت می‌پذیرد (Bradford, 2003: 159). در نگاه بوردیو، عمل دینی (دینداری) نیز از رابطه دیالکتیک میدان و منش دینی به‌دست می‌آید (Matthew, 2009). از نظر وی، کلیسا نوعی منش دینی را که متناسب با ساختار اجتماعی باشد، به جامعه تحمیل می‌کند (Matthew and Christopher, 2009: 156) و هم‌خوانی بین محتوای یک پیام دینی و منافع این جهانی مخاطبشان شرط ضروری موفقیت چنین پیامی است (Michele, 2001: 122). در نظر بوردیو، موقعیت اجتماعی افراد در میدان بر اساس میزان برخورداری از سرمایه‌های مختلف و سبک زندگی متمایز است و از طرف دیگر، طبقه در میدان دین نیز همانند طبقه در میدان‌های دیگر است که بر اساس سبک‌های زندگی متمایز می‌گردد؛ بنابراین، به زعم بوردیو، سبک زندگی از تعیین‌های معرفت دینی و شکل‌گیری انواع عمل دینی (دینداری) است.

با توجه به آنچه در مبحث بالا توضیح دادیم، دینداری فرم و شکل محتوای دینی است که شکل‌گیری این فرم به شرایط اجتماعی و عناصر وابسته به آن بستگی دارد و از عناصر و مشخصه‌های مهم دنیای مدرن، سبک زندگی است و در این تحقیق با بررسی ادبیات تحقیق و مبانی نظری، سه فرضیه زیر مطرح گردیده است:

۱. به‌نظرمی‌رسد میان نوع سبک زندگی و نوع دینداری رابطه وجود دارد.
۲. به‌نظرمی‌رسد میان نوع سبک زندگی و میزان دینداری رابطه وجود دارد.
۳. به‌نظرمی‌رسد میان ابعاد سبک زندگی و ابعاد دینداری رابطه وجود دارد.

۳. روش تحقیق

تحقیق حاضر با روش پیمایش در بین افراد بالای بیست سال و ساکن در شهر ساری در

سال ۱۳۹۰ با ابزار پرسشنامه انجام شد. حجم نمونه از طریق فرمول کوکران، ۴۰۰ نفر تعیین گردید و نمونه‌ها با استفاده از نمونه‌گیری طبقه‌بندی تصادفی انتخاب شدند. پرسشنامه نیز حاوی ۱۱۶ سؤال است که در دو بخش سنجش سبک زندگی با پنج شاخص و دینداری با چهار شاخص تنظیم شده است و روایی آن در جدول ۱ مشخص شده است.

جدول ۱. روایی متغیرها

ردیف	نام متغیر	تعداد گویه	آلفای کرونباخ
۱	مصرف اقتصادی	۲۰	۰/۶۸
۲	مصرف سیاسی	۱۵	۰/۷۵
۳	مصرف فرهنگی	۱۰	۰/۷۵
۴	اوقات فراغت	۱۳	۰/۷۲
۵	مدیریت بدن	۸	۰/۷۵
۶	بعد اعتقادی	۷	۰/۷۳
۷	بعد مناسکی	۵	۰/۷۱
۸	بعد پیامدی	۱۷	۰/۶۹
۹	بعد تجربی	۷	۰/۶۹

۴. یافته‌های پژوهش

جدول ۲ نشان‌دهنده مختصات عمومی پاسخگویان تحقیق حاضر است.

جدول ۲. مختصات عمومی پاسخگویان

ردیف	عنوان	توضیحات
۱	سن	حداقل سن پاسخگویان ۲۰ و حداکثر سن آنها ۶۹ و میانگین سن آنها ۳۵ سال
۲	جنس	۴۱/۵ درصد پاسخگویان مرد و ۵۸/۵ درصد پاسخگویان زن
۳	تاهل	۳۸ درصد پاسخگویان مجرد و ۶۱/۸ درصد پاسخگویان متأهل
۴	تحصیلات	۳/۵ درصد در مقطع تحصیلی ابتدایی، ۱۱/۵ درصد در مقطع تحصیلی راهنمایی، ۳۲/۸ درصد در مقطع تحصیلی دیپلم و لیسانس، ۴۲ درصد در مقطع تحصیلی فوق‌دیپلم و لیسانس و ۱۰/۲ درصد در مقطع تحصیلی فوق‌لیسانس و بالاتر قرار گرفتند و همان‌طور که مشاهده می‌شود، ۷۴/۸ پاسخگویان در مقطع تحصیلی دیپلم تا لیسانس قرار گرفته‌اند.

۵ درصد پاسخگویان در طبقه شغلی مدیران، اساتید دانشگاه و پزشکان، ۳۴/۳ درصد در طبقه شغلی آزاد، ۳۰/۳ درصد کارمند، ۱۲/۵ درصد در طبقه شغلی کارگر قرار گرفتند، و همچنین ۱۰/۸ درصد خانه‌دار، ۳/۸ درصد بیکار و ۳/۳ درصد نیز دانشجو بودند.	شغل	
میانگین درآمد پاسخگویان ۶۲۵ هزار تومان و حداقل درآمد ۱۸۰ هزار تومان و حداکثر درآمد ۵ میلیون تومان است که اکثریت افراد دارای درآمد صد هزار تومان تا یک میلیون تومان است.	درآمد	

فرضیه اول: به نظر می‌رسد میان نوع سبک زندگی و نوع دینداری رابطه وجود دارد.

برای بررسی فرضیه نخست، با استفاده از تکنیک آماری تحلیل عاملی اکتشافی به شناخت انواع سبک زندگی و دینداری در جامعه مورد مطالعه پرداختیم. برای سنجش سبک زندگی، در پرسشنامه ۶۶ گویه طراحی و پاسخ‌های پاسخگویان به این گویه‌ها را وارد آماره تحلیل عاملی کردیم. از آنجایی که میزان آزمون kmo (۰/۷۸) بیشتر از ۰/۷ است و میزان sig (۰/۰۰۰). آزمون بارتلت نیز معنادار است. بنابراین، همبستگی موجود بین گویه‌های سبک زندگی برای انجام آزمون تحلیل آماری مناسب است و همچنین، میزان‌های اشتراک اکثر گویه‌ها بالاتر از ۰/۵ است که بیانگر توانایی عامل‌های تعیین شده در تبیین واریانس متغیر مورد مطالعه است. پنج عامل اول از مقادیر ویژه قابل قبولی برخوردار بوده که مجموعاً ۴۵/۸۲ درصد کل واریانس، کل متغیرهای وابسته را تبیین می‌کند و ماتریس مؤلفه‌های سبک زندگی بعد از چرخش، به شرح ذیل در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. ماتریس مؤلفه‌های سبک زندگی پس از چرخش

عامل اول	عامل دوم	عامل سوم	عامل چهارم	عامل پنجم	نوع سبک زندگی
۰/۶۸					۱. به چه میزان وسایل آشپزخانه را تعویض می‌کنید؟
۰/۶۴					۲. به چه میزان برای خرید پوشاک و لباس از فروشگاه‌ها و مغازه‌های فروش اقساطی استفاده می‌کنید؟
۰/۶۴					۳. به چه میزان از وسایل تزئینی مانند گردنبند، دستبند، انگشتر و ... استفاده می‌کنید؟
۰/۵۱					۴. به چه میزان به قصد تماشای اجناس و کالاها به بیرون از منزل می‌روید؟
۰/۵۱					۵. به نظرم مردم باید در مراسمی شرکت کنند که محیطی شاد داشته باشد.
۰/۵					
۰/۵					

۴۸ بررسی جامعه‌شناختی رابطه بین سبک زندگی و دینداری ...

				<p>۶. به چه میزان برای حضور در بیرون از منزل آرایش می‌کنید؟</p> <p>۷. به نظرم وقتی همه به وضعیت ظاهری خود رسیدگی می‌کنند، نمی‌شود که این کار را انجام نداد.</p>
		<p>۰/۸۳</p> <p>۰/۸۳</p> <p>۰/۶۶</p> <p>۰/۵۶</p> <p>۰/۵۴</p> <p>۰/۵۵</p>		<p>۱. به چه میزان به هنگام اوقات فراغت به اماکن تفریحی می‌روید؟</p> <p>۲. به چه میزان برای خرید به پاساژها و مراکز خرید مدرن مراجعه می‌کنید؟</p> <p>۳. به چه میزان برای غذاخوردن به رستوران‌ها و کافی‌شاپ‌ها می‌روید؟</p> <p>۴. به چه میزان وسایل اتاق نشیمن و وسایل تزئیناتی منزلتان را تعویض می‌کنید؟</p> <p>۵. به چه میزان به قصد خرید از منزل بیرون می‌روید؟</p> <p>۶. به چه میزان به بازدید نمایشگاه و یا فروشگاه‌های صنایع دستی می‌روید؟</p>
		<p>۰/۷۴</p> <p>۰/۶۴</p> <p>۰/۶۰</p> <p>۰/۵۶</p> <p>۰/۵۵</p>		<p>۱. به چه میزان هنگام اوقات فراغت به دیدار والدین، دوستان و آشنایان می‌روید؟</p> <p>۲. به نظرم چیزهایی را باید خرید که قیمت مناسب داشته و بادوام باشد؟</p> <p>۳. به چه میزان برای خرید به نمایندگی‌ها و تولیدی‌ها می‌روید؟</p> <p>۴. به نظرم برگزاری یادواره شهدا از کارهای فرهنگی مؤثر در جامعه است.</p> <p>۵. به نظرم سفرهای زیارتی بر سفرهای سیاحتی ترجیح دارد.</p>
	<p>۰/۶۵</p> <p>۰/۵۷</p> <p>۰/۵۰</p> <p>۰/۵</p> <p>۰/۴۹</p>			<p>۱. به چه میزان برای خرید به بازارهای محلی می‌روید؟</p> <p>۲. به چه میزان برای خرید به نمایشگاه‌ها (پاییزه، بهاره و ...) می‌روید؟</p> <p>۳. به چه میزان به هنگام اوقات فراغت پیام‌های موبایلتان را مرور می‌کنید؟</p> <p>۴. به چه میزان به هنگام اوقات فراغت دراز می‌کشید و به سقف و چیزهای دیگر خیره می‌شوید؟</p> <p>۵. به نظرم به هنگام خرید می‌بایست به نظر اطرافیان اهمیت داد.</p>
	<p>۰/۷۴</p> <p>۰/۷۱</p> <p>۰/۵۹</p> <p>۰/۵۸</p>			<p>۱. به نظرم به خاطر آزادنبودن مکان‌های تفریحی، درخانه‌ماندن بهتر از بیرون‌رفتن است.</p> <p>۲. به نظرم امکان مشارکت سیاسی در قالب تشکل‌های مورد دلخواه وجود ندارد.</p> <p>۳. به نظرم مکان‌های تفریحی، ورزشی و هنری مناسب برای گذران اوقات فراغت وجود ندارد.</p> <p>۴. به نظرم می‌شود به کیفیت اجناس بر اساس تبلیغات اطمینان کرد.</p>

نوع اول: سبک زندگی تظاهری

گویه‌های نوع اول سبک زندگی بر اساس تئوری وبلن نشان از مصرف تظاهری افراد از فضا و امکانات اقتصادی است. این افراد از لحاظ اقتصادی در سطح بالایی قرار ندارند، اما سعی می‌کنند تا با تهیه وسایل زندگی افراد طبقه بالا و یا استفاده از فضای اقتصادی طبقه بالا، از نوع سبک زندگی آنها تقلید کنند و یا به عبارتی تظاهر به مدرن بودن می‌کنند.

نوع دوم: سبک زندگی مدرن

گویه‌های نوع دوم سبک زندگی بر اساس تحقیق ران وی (Ran Wei) و نظریه بوردیو نشان‌دهنده ویژگی‌های افرادی است که از طبقات بالای اقتصادی جامعه بوده و به عبارتی دارای شیوه زندگی مدرن هستند.

نوع سوم: سبک زندگی سنتی

گویه‌های نوع سوم سبک زندگی در جامعه ما نشان‌دهنده سبک زندگی سنتی است. اصطلاح سبک زندگی سنتی را دکتر ناصر فکوهی در مقاله‌اش تحت عنوان «سبک زندگی خرده‌فرهنگ‌ها» عنوان می‌کند.

نوع چهارم: سبک زندگی شبه‌سنتی

گویه‌های نوع چهارم سبک زندگی نشان‌دهنده سبک زندگی افرادی است که از لحاظ وضعیت اقتصادی، متوسط رو به پایین بودند و سبک زندگی تقریباً شبه‌سنتی دارند.

نوع پنجم: سبک زندگی ساخت‌نیافته

بین گویه‌های نوع پنجم سبک زندگی نمی‌توان ارتباطی برقرار کرد و آنها را در قالب یک سبک زندگی نام‌گذاری کرد؛ بدین سبب این عامل را سبک زندگی ساخت‌نیافته نام‌گذاری می‌کنیم.

انواع دینداری: برای سنجش دینداری در پرسشنامه ۵۰ گویه طراحی کردیم و پاسخ‌های پاسخ‌گویان به این گویه‌ها را وارد آماره تحلیل عاملی کردیم. از آنجایی که میزان آزمون kmo (۰/۸۹) بیشتر از ۰/۷ است و میزان sig (۰/۰۰۰). آزمون بارتلت نیز معنادار است. بنابراین، همبستگی موجود بین گویه‌های دینداری برای انجام آزمون تحلیل آماری مناسب است. همچنین، میزان‌های اشتراک اکثر گویه‌ها بالاتر از ۰/۶ است که بیانگر توانایی عامل‌های تعیین‌شده در تبیین واریانس متغیر مورد مطالعه است و پنج عامل اول از مقادیر ویژه قابل‌قبولی برخوردار بوده که مجموعاً ۵۰/۵۱ درصد کل واریانس کل متغیرهای وابسته را تبیین می‌کند و ماتریس مؤلفه‌های دینداری بعد از چرخش به شرح ذیل در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴. ماتریس مؤلفه‌های دینداری پس از چرخش

عامل پنجم	عامل چهارم	عامل سوم	عامل دوم	عامل اول	نوع دینداری
				۰/۸ ۰/۷۵ ۰/۷۲ ۰/۶۸ ۰/۶۴ ۰/۶۱ ۰/۵۷	<p>۱. احساس توبه برای جبران گناهان، بیشتر وقت‌ها در من ایجاد می‌شود.</p> <p>۲. من معتقدم امامان معصوم تداوم رسالت انبیا هستند.</p> <p>۳. اگر نمازم قضا شود، ناراحت می‌شوم.</p> <p>۴. جمعی را که در حال غیبت کردن هستند، ترک می‌کنم و یا تذکر می‌دهم غیبت نکنند.</p> <p>۵. من به شرکت در مناسک جمعی مانند نماز جماعت، نماز جمعه و ... اهمیت می‌دهم.</p> <p>۶. من معتقدم زیارت اهل قبور و خواندن فاتحه موجب شادی روح مردگان می‌گردد.</p> <p>۷. من معتقدم ترس از خدا موجب می‌شود که انسان‌ها گناه نکنند.</p>
			۰/۶۹ ۰/۶۸ ۰/۵۶ ۰/۵۶ ۰/۵۴ ۰/۵۳		<p>۱. برای مراسم سوگواری امامان به جای کارهای خدماتی، پول پرداخت می‌کنم.</p> <p>۲. هنگام ملاقات با جنس مخالف به او دست می‌دهم.</p> <p>۳. از دست دادن مال دنیا آنقدر مرا ناراحت می‌کند که کفر می‌گویم.</p> <p>۴. برای فرار از تمسخر دیگران، ظواهر مذهبی را کنار می‌گذارم.</p> <p>۵. گاهی برای پیشبرد کارها از رشوه استفاده می‌کنم.</p> <p>۶. برای رفع مشکلات اقتصادی، گاهی ناچار می‌شوم از راه‌های غیرمجاز هم استفاده کنم.</p>
		۰/۷۴ ۰/۶۴ ۰/۶ ۰/۶ ۰/۵۷			<p>۱. من معتقدم در قیامت به تمام اعمال ما رسیدگی می‌شود.</p> <p>۲. من معتقدم دین یک مسئله شخصی است و نباید در عرصه عمومی دخالت کند.</p> <p>۳. من معتقدم برای اینکه آدم خوبی باشیم، حتماً لازم نیست فردی مذهبی باشیم.</p> <p>۴. من معتقدم لازم نیست در همه زمینه‌های زندگی مقید به دین و حدود شرعی باشیم.</p> <p>۵. من معتقدم انسان باید قلبش پاک باشد و نیازی به انجام فرایض دینی نیست.</p>
	۰/۸۳ ۰/۷۲ ۰/۷۱ ۰/۷ ۰/۶۹				<p>۱. به امامان عشق می‌ورزم و سخنان آنها برایم راهنمای زندگی است.</p> <p>۲. من با عشق به خداوند زنده‌ام.</p> <p>۳. در اعیاد و ایام ولایت اولیای دین، احساس شادی و سرور می‌کنم.</p> <p>۴. من معتقدم خداوند مهربان است و گناه بندگان را می‌بخشد.</p> <p>۵. راز و نیاز با خدا را دوست دارم و به من آرامش می‌دهد.</p>
۰/۷۹ ۰/۷۸ ۰/۶۷ ۰/۶					<p>۱. مالیات همان زکات است و نیازی به پرداخت زکات نیست.</p> <p>۲. این روزها مردم برای خوب جلوه‌دادن خود در نزد دیگران، اعمال مذهبی را آشکارا انجام می‌دهند.</p> <p>۳. من معتقدم خشکسالی‌های پی‌درپی عذاب خداوند است.</p> <p>۴. گاهی از رؤیای معنوی در خواب سرشار از لذت می‌شوم.</p>

دینداری سستی: گویه‌های دینداری نوع اول، نشان‌دهنده نوعی دینداری سستی است که بر اساس نظریه وبر و دورکیم جزو دینداری سستی محسوب می‌گردد.

دینداری شخصی یا گزینشی: گویه‌های دینداری نوع دوم، نشان‌دهنده برداشت‌ها و گزینش‌های شخصی فرد در دین هستند که بر اساس نظر پیتر برگر می‌توان از آن به عنوان دینداری شخصی یا گزینشی نام برد. از نظر برگر، گزینشی بودن دین عبارت‌اند از: توان خود فرد در تشخیص گناه از غیر گناه، تطابق دادن آموزه‌های دینی با عقل انسان امروزی، مراجعه به عقل به جای مراجعه به توصیه‌های دینی در زندگی (برگر و لاکمن، ۱۳۷۵: ۵۲).

دینداری تکثرگرا: گویه‌های نوع سوم، دینداری بر اساس نظر پیتر برگر نشان‌دهنده دینداری تکثرگرا هستند (همان: ۶۸).

دینداری عرفانی یا معنویت‌گرا: گویه‌های نوع چهارم، دینداری مشخصات دینداری از نوع عرفانی و یا معنویت‌گرا هستند، زیرا مبنای این نوع افراد برای دینداری، عشق و از نوع حس زیباشناختی است. بر اساس نظریه نراقی در کتاب رساله دین، شناخت این نوع دینداری چون با شور عاطفی، عشق به خداوند و اولیای خاص خداوند همراه است، می‌تواند دینداری عرفانی نام بگیرد (نراقی، ۱۳۷۸: ۳۹).

دینداری بی‌شکل: با توجه به اینکه نمی‌شود میان گویه‌های فوق ارتباطی تئوریک و درونی برقرار کرد، بنابراین دینداری مورد نظر را دینداری بی‌شکل نام‌گذاری می‌کنیم که این اصطلاح را دکتر فراستخواه در فراتحلیل ادبیات تحقیق دینداری به‌کار برده است.

در ادامه، برای بررسی رابطه دو متغیر نوع سبک زندگی و نوع دینداری، نخست جدول توافقی بین دو متغیر را رسم کردیم و سپس برای تحلیل استنباطی از آزمون کی دو و برای تحلیل توصیفی از آزمون کرامر استفاده کردیم.

جدول ۵. جدول توافقی رابطه سبک زندگی و دینداری با توزیع فراوانی نسبی ستونی (سبک زندگی)

ساخت‌نیافته	شبه‌ستنی	ستنی	مدرن	تظاهری	نوع سبک زندگی
					نوع دینداری
۲۸/۶	۵۰	۴۰	۵	۱۴/۳	ستنی
۳۶/۷	۲۵	۸/۳	۴۰	۱۲/۳	شخصی یا گزینشی
۱۰	۱۲/۷	۱۶	۴	۱۲/۵	تکثرگرا
۱۰/۴	۲	۳۰	۲۰	۱۸	عرفانی یا معنویت‌گرا
۱۴/۳	۸/۳	۵/۷	۳۱	۴۲/۹	بی‌شکل
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	کل

بر اساس جدول بالا، ۴۲/۹٪ از افرادی که دارای سبک زندگی تظاهری بودند، دارای دینداری بی‌شکل و ۴۰٪ از افرادی که دارای سبک زندگی مدرن بودند، دارای دینداری شخصی و یا گزینشی بودند. ۴۰٪ از افرادی که دارای سبک زندگی سنتی بودند، دارای دینداری سنتی بودند و ۵۰٪ از افرادی که دارای سبک زندگی شبه‌سنتی بودند نیز دارای دینداری سنتی بودند و ۳۶/۷ درصد افرادی که دارای سبک زندگی ساخت‌نیافته بودند، دارای دینداری شخصی و یا گزینشی بودند. برای بررسی روابط بالا، از آزمون کی دو و کرامر استفاده کردیم.

جدول ۶. نتیجه آزمون کی دو

	Value	Asymp. Sig. (2-sided)
Pearson Chi-Square	۴۷/۷۰۶	/۰۰۳
N of Valid Cases	۴۰۰	

بر اساس جدول بالا، چون مقدار عددی (Asymp. Sig. (2-sided)) از ۰/۰۵ کمتر است، فرض یک پذیرفته می‌شود و نتیجه می‌گیریم که با احتمال ۹۵ درصد، رابطه بین این دو متغیر معنادار است و بین نوع سبک زندگی و نوع دینداری رابطه وجود دارد.

جدول ۷. نتیجه آزمون کرامر

		Value	Approx. Sig.
Nominal by Nominal	Phi	۰/۹۷۷	۰/۰۰۳
	Cramer's V	۰/۴۸۸	۰/۰۰۳
N of Valid Cases		۴۰۰	

بر اساس جدول ۷، میزان همبستگی دو متغیر ۰/۴۸ است و Sig نیز کمتر از ۰/۰۵ است. بنابراین، فرض یک پذیرفته می‌شود و با احتمال ۹۵ درصد رابطه بین دو متغیر، رابطه معنادار و شدت رابطه بین دو متغیر نوع سبک زندگی و نوع دینداری افراد متوسط است و فرضیه ما پذیرفته می‌شود.

فرضیه دوم: به نظر می‌رسد میان نوع سبک زندگی و میزان دینداری رابطه وجود دارد. از آنجایی که در این فرضیه دو متغیر داریم و متغیر مستقل نوع سبک زندگی، متغیر اسمی چندمقوله‌ای و متغیر میزان دینداری متغیر فاصله‌ای است، لذا برای بررسی این فرضیه از آزمون مقایسه میانگین‌ها یعنی تحلیل واریانس یک‌طرفه استفاده کردیم. با بررسی میزان

دینداری در جامعه مورد مطالعه، به این نتیجه رسیدیم که توزیع آن نرمال نیست و همچنین نتیجه بررسی همسانی واریانس جامعه از طریق آزمون لون به شرح ذیل است:

جدول ۸. Test of Homogeneity of Variances

Levene Statistic	df1	df2	Sig.
۲/۲۸۶	۴	۳۹۵	۰/۰۴

چون sig آزمون همسانی واریانس کمتر از ۰/۰۵ است، در نتیجه واریانس جامعه همسان نیست و نمی توان از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه استفاده کرد، بلکه باید از آزمون های ناپارامتری معادل تحلیل واریانس مانند آزمون کروسکال - والیس استفاده کنیم.

جدول ۹. نتیجه آزمون کروسکال والیس متغیر نوع سبک زندگی و میزان دینداری

متغیرها	Asymp. Sig	Chi-Square
میزان دینداری	/۵	۳/۳

بر اساس جدول ۹، چون میزان sig آزمون کروسکال والیس متغیر نوع سبک زندگی و میزان دینداری بیشتر از ۰/۰۵ است. در نتیجه، میزان sig از لحاظ آماری معنادار نیست و فرض یک رد می شود؛ یعنی، تفاوت میانگین میزان دینداری در افراد با سبک زندگی متفاوت معنادار نیست و میزان دینداری در افراد با سبک زندگی متفاوت، متفاوت نمی باشد.

فرضیه سوم: به نظر می رسد میان ابعاد سبک زندگی و ابعاد دینداری رابطه وجود دارد. در تحقیق حاضر، سبک زندگی با پنج بُعد مصرف اقتصادی، مصرف فرهنگی، مصرف سیاسی، اوقات فراغت و مدیریت بدن و دینداری با چهار بُعد اعتقادی، مناسکی، تجربی و پیامدی سنجیده شده است. برای بررسی روابط این ابعاد از آزمون پیرسون استفاده کردیم که نتایج آن به شرح ذیل است:

جدول ۱۰. نتیجه آزمون پیرسون

متغیر مستقل	متغیر وابسته	میزان همبستگی	جهت رابطه	سطح معنی داری
مصرف اقتصادی	اعتقادی	۰/۱	مستقیم	۰/۰۴
	مناسکی	۰/۰۵	مستقیم	۰/۲
	تجربی	-۰/۰۰۹	معکوس	۰/۸
	پیامدی	-۰/۰۳	مستقیم	۰/۵

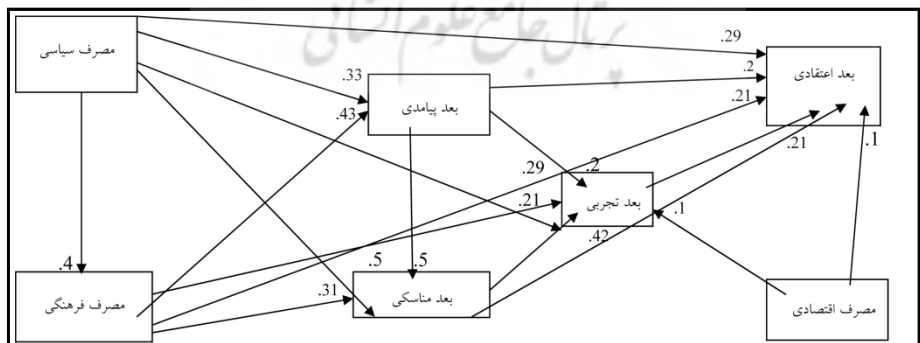
۰/۰۰۰	مستقیم	۰/۱۸	اعتقادی	مصرف فرهنگی
۰/۰۰۰	مستقیم	۰/۲	مناسکی	
۰/۰۰۴	مستقیم	۰/۲۲	تجربی	
۰/۰۰۱	مستقیم	۰/۱۶	پیامدی	
۰/۰۰۰	مستقیم	۰/۲۴	اعتقادی	مصرف سیاسی
۰/۰۰۰	مستقیم	۰/۲۲	مناسکی	
۰/۰۰۱	مستقیم	۰/۱۷	تجربی	
۰/۰۰۵	مستقیم	۰/۱۳	پیامدی	
۰/۲۵	مستقیم	۰/۰۰۲	اعتقادی	اوقات فراغت
۰/۰۸	مستقیم	۰/۱۲	مناسکی	
۰/۰۹	مستقیم	۰/۱۱	تجربی	
۰/۰۱	مستقیم	۰/۲۲	پیامدی	
۰/۹	مستقیم	۰	اعتقادی	مدیریت بدن
۰/۹	معکوس	-۰/۰۰۶	مناسکی	
۰/۲۵	مستقیم	۰/۰۵۷	تجربی	
۰/۹	معکوس	-۰/۰۰۴	پیامدی	

- تفسیر خروجی: در جدول ۱۰، نتیجه آزمون پیرسون مشاهده می‌شود که به بررسی روابط بین ابعاد متغیر مستقل سبک زندگی و متغیر وابسته دینداری پرداخته‌ایم و بر اساس sig روابط معنادار آن عبارت‌اند از:
۱. بین مصرف اقتصادی و بعد اعتقادی رابطه مستقیم وجود دارد.
 ۲. بین مصرف فرهنگی و ابعاد اعتقادی، مناسکی، تجربی و پیامدی رابطه مستقیم وجود دارد.
 ۳. بین مصرف سیاسی و ابعاد اعتقادی، مناسکی، تجربی و پیامدی رابطه مستقیم وجود دارد.
 ۴. بین نحوه گذران اوقات فراغت و ابعاد مناسکی، تجربی و پیامدی رابطه وجود دارد. برای بررسی دقیق‌تر این فرضیه و تحلیل روابط بین متغیرها، از آزمون تحلیل مسیر استفاده کردیم که نتایج آن در جدول ۱۱ و نمودار ۱ قابل مشاهده است.

جدول ۱۱. ضرایب تحلیل مسیر گام به گام

مرحل	متغیر وابسته	متغیرهای مستقل	ضریب بتا	R2	e	F	sig
اول	بعد اعتقادی	بعد تجربی	۰/۳۴	۰/۶۱	۰/۳۹	۳۴/۵۵	۰
		بعد مناسکی	۰/۳۱				
		بعد پیامدی	۰/۲				
		بعد اقتصادی	۰/۱				
		بعد سیاسی	۰/۲۱				
		بعد فرهنگی	۰/۲۹				
		اوقات فراغت	۰/۰۹				
		مدیریت بدن	-۰/۰۸				
دوم	بعد تجربی	بعد مناسکی	۰/۴۲	۰/۴۸	۰/۵۲	۵۱/۲۲	۰
		بعد پیامدی	۰/۲				
		بعد اقتصادی	۰/۱				
		بعد سیاسی	۰/۲۱				
		بعد فرهنگی	۰/۲۹				
سوم	بعد مناسکی	بعد پیامدی	۰/۵	۰/۴۲	۰/۵۸	۵۶/۶۷	۰
		بعد سیاسی	۰/۳۱				
		بعد فرهنگی	۰/۵				
		بعد اقتصادی	۰/۰۹				
چهارم	بعد پیامدی	بعد سیاسی	۰/۴۳	۰/۳۸	۰/۶۲	۶/۲۶	۰/۰۰۲
		بعد فرهنگی	۰/۳۳				
پنجم	بعد سیاسی	بعد فرهنگی	۰/۴	۰/۳۴	۰/۶۶	۱۲۶/۵۱	۰

۵. مدل تحلیل مسیر



جدول ۱۲. تأثیرات مستقیم، غیرمستقیم و کل متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته بعد اعتقادی

متغیرهای مستقل	تأثیر مستقیم	تأثیر غیرمستقیم	تأثیرات کل
بعد تجربی	۰/۳۴	۰	۰/۳۴
بعد اقتصادی	۰/۱	۰/۰۳۴	۰/۱۳
بعد مناسکی	۰/۳۱	۰/۱۴	۰/۴۵
بعد پیامدی	۰/۲	۰/۲۸	۰/۴۸
بعد سیاسی	۰/۲۱	۰/۳۵	۰/۵۶
بعد فرهنگی	۰/۲۹	۰/۴۸	۰/۷۷

بر اساس جدول ۱۲، ضرایب تحلیل مسیر نشان می‌دهد که از مجموعه عوامل مؤثر بر بعد اعتقادی متغیر مصرف فرهنگی با ضریب همبستگی ۰/۷۷ بیشترین تأثیر را داشته‌است و مقدار ضریب تعیین یا واریانس تبیین‌شده متغیرهای مستقل ۰/۶۱ است. بنابراین، متغیرهای مستقل تقریباً ۶۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته بعد اعتقادی را تبیین می‌کنند و ۳۹ درصد دیگر نیز توسط متغیرهای مستقلی به جز متغیرهای مستقل تحقیق تبیین می‌شوند که نشان‌دهنده برازندگی مدل است.

۶. نتیجه‌گیری

در تحقیق حاضر، با الهام از تقسیم‌بندی کلی شلر که معرفت را به چهار حوزه مجزای علم، فلسفه، مذهب و ایدئولوژی تقسیم می‌کند. دین را به عنوان نوعی معرفت و دینداری را به عنوان عمل دینی و اهتمام و التزام به معرفت دینی در نظر گرفتیم. در شاخه جامعه‌شناسی معرفت، حوزه جدیدی شکل گرفته‌است که موجب شکل‌گیری اندیشه‌ها و نظریه‌های متفاوتی گردیده‌است. از جمله ویژگی‌های عمده این جامعه‌شناسی معرفت جدید، فاصله گرفتن از نظریه عام یا جهان‌شمول جبر اجتماعی معرفت (تکیه بر عاملیت طبقه و ساختار اجتماعی با تأکید بر ایدئولوژی) و رفتن به سمت فضای فرهنگ، تحلیل فرهنگی و برداشت و تفسیر معنایی است و تمرکز بر موضوعاتی نظیر «معرفت غیررسمی»، معرفت زندگی روزمره، مسائل جامعه معرفتی، فناوری اطلاعات و سبک‌های زندگی مطرح است. از جمله جامعه‌شناسانی که به این مسئله پرداخته‌اند ابن‌خلدون، زیمل، وبر، گیدنز، بلن و بوردیو هستند که معتقدند سبک زندگی بر دین و به دنبال اهتمام و التزام دینی (دینداری) تأثیرگذار است که از نظریه پردازان مهم این حوزه بوردیو است. در نظر بوردیو، موقعیت

اجتماعی افراد در میدان بر اساس میزان برخورداری از سرمایه‌های مختلف و سبک زندگی متمایز است و از طرف دیگر، طبقه در میدان دین نیز همانند طبقه در میدان‌های دیگر است که بر اساس سبک‌های زندگی متمایز می‌گردد. بنابراین، به زعم بوردیو، سبک زندگی از تعین‌های معرفت دینی و شکل‌گیری انواع عمل دینی (دینداری) است.

لذا، در تحقیق حاضر، برای شناخت انواع دینداری و انواع سبک زندگی، به بررسی نظریه‌های مختلف پرداختیم و به ادبیات‌های تحقیق مراجعه کردیم. اکثریت محققان برای شناخت انواع سبک زندگی و انواع دینداری از تکنیک آماری تحلیل عاملی اکتشافی استفاده کرده‌اند که نتایج مختص جامعه خودشان می‌شوند. لذا، از تئوری‌ها به عنوان نقشه‌شناختی (Cognitive Map) استفاده کرده، با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی اکتشافی به شناخت انواع دینداری و انواع سبک زندگی در جامعه مورد مطالعه پرداختیم. نتیجه حاصل به شناخت پنج نوع سبک زندگی و پنج نوع دینداری منجر شده است که هر کدام از انواع سبک زندگی دارای نوعی خاص از دینداری بودند؛ مثلاً:

افرادی که دارای سبک زندگی تظاهری بودند، بیشتر دارای دینداری بی‌شکل بودند؛ افرادی که دارای سبک زندگی مدرن بودند، بیشتر دارای دینداری شخصی و یا گزینشی بودند؛

افرادی که دارای سبک زندگی سنتی بودند، بیشتر دارای دینداری سنتی بودند؛ افرادی که دارای سبک زندگی شبه‌سنتی بودند، بیشتر دارای دینداری سنتی بودند؛ افرادی که دارای سبک زندگی ساخت‌نیافته بودند، بیشتر دارای دینداری شخصی و یا گزینشی بودند.

برای بررسی روابط بالا، از آزمون کی دو و کرامر استفاده کردیم و نتیجه نشان داد که تمامی این روابط معنادار هستند و در ادامه به این مسئله پرداختیم که دینداری و سبک زندگی هر کدام ابعاد گوناگون دارند و میزان تأثیر هر یک از این ابعاد بر یکدیگر، می‌تواند مشخص‌کننده نوع دینداری افراد باشد و در این راستا، روابط بین ابعاد سبک زندگی و ابعاد دینداری را از طریق آزمون پیرسون و تحلیل مسیر بررسی کردیم و از آنجایی که نخستین بعد دینداری افراد بعد اعتقادی است، لذا بعد اعتقادی را به عنوان متغیر وابسته نهایی در نظر گرفتیم. ضرایب تحلیل مسیر نشان دادند که از مجموعه عوامل مؤثر بر بعد اعتقادی متغیر مصرف فرهنگی با ضریب همبستگی $0/77$ بیشترین تأثیر را داشته است و مقدار ضریب تعیین یا واریانس تبیین‌شده متغیرهای مستقل $0/61$ است. بنابراین، متغیرهای

مستقل تقریباً ۶۱٪ از تغییرات متغیر وابسته بعد اعتقادی را تبیین می‌کنند و ۳۹٪ دیگر نیز توسط متغیرهای مستقل به جز متغیرهای مستقل تحقیق تبیین می‌شوند که نشان‌دهنده برازندگی مدل است.

به طور کل، نتایج حاصل از یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بین سبک زندگی و میزان دینداری افراد رابطه‌ای وجود ندارد، اما بین نوع سبک زندگی و نوع دینداری افراد رابطه معناداری وجود دارد.

منابع

- ابن‌خلدون، عبدالرحمن (۱۳۷۳). مقدمه (جلد اول و دوم)، محمد پروین گنابادی، تهران: علمی و فرهنگی.
- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۵). انواع سبک زندگی در ایران، مرکز تحقیقات استراتژیک شورای مصلحت نظام.
- برگر، پیتر؛ و تامس لاکمن (۱۳۷۵). ساخت اجتماعی واقعیت، رساله‌ای در جامعه‌شناسی شناخت، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران: علمی و فرهنگی.
- تامسون، کنت؛ و دیگران (۱۳۸۷). دین و ساختار اجتماعی، ترجمه علی بهرامپور و حسن محدثی، تهران: کویر.
- خدایاری فرد، محمد (۱۳۸۵). آماده‌سازی و هنجاریابی مقیاس سنجش دینداری در جامعه دانشجویی کشور، انتشارات الکترونیکی دانشگاه تهران: ۸۹/۸/۲۰.
- زیمل، گئورگ (۱۳۸۸). مقالاتی در مورد دین، فلسفه، جامعه‌شناسی دین، ترجمه شهناز مسمی‌پرست، تهران: ثالث.
- شجاعی زند، علیرضا (۱۳۸۶). «بررسی امکان همزیستی دین و مدرنیته»، نامه علوم اجتماعی، ش ۳۰.
- شجاعی زند، علیرضا (۱۳۸۲). «مدل برای سنجش دینداری در ایران»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، ش ۱.
- فروند، ژولین (۱۳۶۸). جامعه‌شناسی ماکس وبر، عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: ایران.
- کاظمی وریجی، عباس؛ و مهدی فرجی (۱۳۸۲). «عرفی‌شدن و زندگی روزمره»، نامه علوم اجتماعی، ش ۲۱.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷). پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸). تجدد و تشخیص (جامعه و هویت شخصی در عصر جدید)، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نی.
- مهدوی کنی، محمد سعید (۱۳۸۶). «مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، ش ۱.
- مهدوی کنی، محمد سعید (۱۳۸۷). دین و سبک زندگی، تهران: دانشگاه امام صادق.
- نراقی، احمد (۱۳۷۸). رساله دین‌شناخت، تهران: طرح نو.

وبر، ماکس (۱۳۷۴). *اقتصاد و جامعه، منوچهری، ترجمه ترابی نژاد و عمادزاده، تهران: مولی.*
وبر، ماکس (۱۳۸۷). *دین، قدرت و جامعه، ترجمه احمد تدین، تهران: هرمس.*
وبلن، تورستاین (۱۳۸۳). *نظریه طبقه تن آسا، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: نی.*
همپلتون، ملکم (۱۳۸۷). *جامعه‌شناسی دین، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: تبیان.*

- Ahmet, Oncu (2008). "Wither Business Ideology: Revisiting Veblen's Theory of Engineers as Revolutionary Actors", *Review of Radical Political Economics*, Vol. 41, No. 2.
- Bourdieu, Pierre (1984). *Distinction: A Social Critique of Judgment of Taste*, Translated by Richard Nice, Routledge and Kagan Paul.
- Bourdieu, Pierre (1993). *The Logic of Practice*, Polity Press.
- Bourdieu, Pierre (1996). *The Rule of Art, Genesis and Structure of the Literary Nice*, Polity Press
- Bourdieu, Pierre; and loic Wacquant (2002). *An Invitation to Reflexive Sociology*, Polity Press.
- Bradford, Verter (2003). "Theorizing Religion with Bordieu against Bourdieu", *Sociological Theory*, Vol. 21, No. 2.
- Duriez, Bart; Bart Soenens; Bart Neyrinck; and Maarten Vansteenkiste (2009). "Is Religiosity Related to Better Parenting? Disentangling Religiosity from Religious Cognitive Style", *Journal of Family Issues*, Vol. 30, No. 9.
- Harrington, Austin (2001). "From Hegel to the Sociology of Knowledge", *Theory, Culture and Society*, Vol. 18, No. 6.
- Holroyd, Cileon (1972). "On the Sociology of Knowledge", *Journal of Librarianship and Information Scienc*, Vol. 11, No. 1.
- Hoose, Bernard (2010). "Religion, Truth' Mystery and Morality", *Irish Theological Quarterly*, Vol. 75, No. 2.
- Kichberg, Volker (2007). "Cultural Consumption Cnalysis: Beyond Structure and Agency", *Cultural Sociology*, Vol. 1, No. 1.
- Krause, Neal (2008). "The Social Foundation of Religious Meaning in Life", *Research o Aging*, Vol. 30, No. 4.
- Laaric, Miran; and Soregi Flere (2010). "Measuring Religious Costs and Reward in Across – Cultural Prespective", *Rationality and Society*, Vol. 22, No 2.
- Learmans, Rudi (2006). "The Ambivalence of Religiosity and Religion: A reading of Georg Simmel", *Social Compass*, Vol. 4, No. 4.
- Luchau, Peter (2009). "Toward Concept of Civil Religion", *Social Compass*, Vol. 1, No. 56.
- Maycroft, Neil (2004). "Cultural Consumption and the Myth of Life – Style", *Capital and Class*, Vol. 3, No. 2.
- Prandi, Reginaldo (2008). "Religious Dynamics in Latin America", *Social Compass*, Vol. 5, No. 55.

- Simmel. j (1990). *The Philosophy of Money*, Tom Bohmer and Pavid Frisby, Newyork: Rotledge
- Stylianou, Stelios (2004). "The Role of Religiosity in the Opposition to Drug Use", *Journal of Offender Therapy and Comparative Criminology*, Vol. 48, No. 4.
- Terry, Rey (2004). "Marketing the Goods of Salvation: Bourdieu on Religion", *Department of Religious Studies*, Vol. 4, No. 34.
- Vadenberghe, Fredrric (2010). "Immanent Transcendence in Georg Simmel's Sociology of Religion", *Jurnal of Classical Sociology*, Vol. 1, No. 10.
- Wood, Matthew (2009). "The Nonformative Element Religious Life", *Social Compass*, Vol. 2, No. 56.
- Wood, Matthew; and Christopher Bunn (2009). "Strategy in a Religious Network", *Sociology*, Vol. 1, No. 43.

